

## Analyzing the role of Waqf and charity in modern Islamic civilization

Mohammad Saleh Tayebnia \*

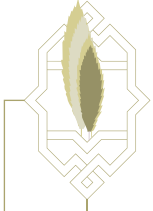
### Abstract

The new Islamic civilization and the ways to reach and expand it have been one of the most important concerns of the leaders of Islamic thought in the past and recent centuries. One of the most obvious works of Islamic civilization in the past has been the willingness of the general public and rulers to do good deeds and especially Waqf which in different forms such as religious centers such as mosques and religious bodies, health centers such as hospitals, educational centers such as schools, libraries and seminaries, military centers and recreational centers, have been of interest in different periods and have had a significant impact on civilization; but at the present time, due to the extensive changes in societies, Waqf and good deeds in Islamic societies such as Iran are not as they were in their golden era in the past, and their decline can be seen. This is despite the fact that the approach to this issue has been very successful in developed countries and even many of the top universities in the world cover most of their expenses through moqfat and use it for civilization. In this article, with a descriptive-analytical method and by examining the words of the Supreme Leader regarding the new Islamic civilization, to explain the role of Waqf and charity in the material and spiritual development of Muslims Two forms of economic institution building in the form of poverty alleviation, creation of public welfare and prevention of wealth accumulation and cultural institution building in the form of promotion of divine and spiritual values, wisdom and educational science were discussed.

**Key words:** Charity, Waqf, Civilization building, New Islamic civilization, Intentions of Ayatollah Khamenei.

---

\*. Assistant Professor of the Department of Philosophy and Theology. Member of the Faculty of Ahl al-Bayt (AS). University of Isfahan, Isfahan, Iran  
ms.tayebnia@ahl.ui.ac.ir



## إنشاء المراكز الطبية والخدمات الصحية من قبل المجالس الحسينية بالاستفادة من الوقف الفعال

محمد صالح طيب نيا \*

### خلاصة

لقد كانت الحضارة الإسلامية الجديدة و سبل الوصول إليها و توسيعها هي من أهم اهتمامات قادة الفكر الإسلامي في القرون الماضية و المعاصرة. من أبرز آثار الحضارة الإسلامية في الماضي اقبال عامة الناس و الحكام على فعل الخير و خاصة في حالة الوقف الذي يكون بأشكال مختلفة كالمراكز الدينية مثل المساجد والتجمعات، و المراكز الصحية مثل المستشفيات. و المراكز التعليمية مثل المدارس و المكتبات و المساجد و العلوم و....، لقد كانت المراكز العسكرية و المراكز الترفيهية موضع اهتمام في فترات مختلفة و كان لها تأثير كبير على الحضارة، ولكن في الوقت الحاضر، و نظراً للتغيرات الواسعة في المجتمعات، فإن الأوقاف و الامور الخيرية في المجتمعات الإسلامية مثل إيران ليست كما هي في الماضي في عصرهم الذهبي، ويمكن ملاحظة التراجع في كفاءتها. وعلى الرغم من ذلك فإن النهج في هذا الأمر لاقى نجاحاً كبيراً في الدول المتقدمة، حتى أن العديد من أفضل الجامعات في العالم تغطي معظم نفقاتها من خلال الأوقاف و تستخدمها في الامور الحضارية.

تم دراسة الوقف في هذا المقال، و بالمنهج الوصفي التحليلي، و من خلال مراجعة كلام المرشد الأعلى فيما يتعلق ببناء الحضارة الإسلامية الحديثة، لتوضيح دور الوقف و الإحسان في نمو المسلمين و تقدمه المادي و الروحي في شكلين اقتصاديين: و تمت مناقشة إضفاء الطابع المؤسسي على شكل تخفيف حدة الفقر و تحقيق الرفاهية العامة و منع تراكم الثروة و بناء المؤسسات الثقافية في شكل تعزيز القيم الإلهية و الروحية و الحكمة و العلوم التربوية. .

**الكلمات المفتاحية:** الامور الخيرية، الوقف، الحضارة، الحضارة الإسلامية الجديدة، آية الله

الخامنئي

\*.أستاذ مساعد في قسم الفلسفة و علم الكلام عضو هيئة أهل البيت عليه السلام. جامعة أصفهان، أصفهان، إيران

ms.tayebnia@ahl.ui.ac.ir

## واکاوی نقش وقف و امور خیریه در تمدن نویین اسلامی با بهره‌مندی از وقف کارآمد

محمد صالح طیب نیا\*

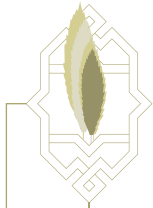


### چکیده

تمدن نویین اسلامی و راه‌های نیل و گسترش آن از مهم‌ترین دغدغه‌های رهبران نواندیش اسلامی در قرون گذشته و اخیر بوده است. از بارزترین آثار تمدن اسلامی در گذشته، اقبال عموم مردم و حاکمان به انجام امور خیر و به ویژه وقف بوده است که به اشکال مختلف همچون مراکز مذهبی همچون مساجد و هیئات، مراکز بهداشتی نظیر بیمارستان‌ها، مراکز آموزشی همچون مدارس، کتابخانه‌ها و حوزه‌های علمیه و ...، مراکز نظامی و مراکز تفریحی در دوره‌های مختلف مورد توجه بوده و تأثیر بسزایی در تمدن‌سازی ایفاء کرده است ولیکن در زمان فعلی با توجه به تغییرات گسترده در جوامع، وقف و امور خیر در جوامع اسلامی همچون ایران همانند گذشته در دوران طلایی خود نبوده و افول کارآمدی آن دیده می‌شود. این در حالی است که رویکرد به این امر در کشورهای توسعه‌یافته با اقبال بسیار همراه بوده، حتی بسیاری از دانشگاه‌های برتر دنیا بیشتر هزینه‌های خود را از طریق موقوفات تأمین و از آن در جهت تمدن‌سازی بهره می‌برند. در این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی و با بررسی سخنان مقام معظم رهبری در خصوص تمدن‌سازی نویین اسلامی، به تبیین نقش وقف و نیکوکاری در رشد و پیشرفت مادی - معنوی مسلمانان به دو شکل نهاد سازی اقتصادی در قالب فقر زدایی، ایجاد رفاه عمومی و ممانعت از انباشت ثروت و نهاد سازی فرهنگی در قالب ارتقاء ارزش‌های الهی و معنوی، خردورزی و علم‌آموزی پرداخته گردید.

**واژگان کلیدی:** امور خیر، وقف، تمدن‌سازی، تمدن نویین اسلامی، منویات آیت‌الله خامنه‌ای

\*. استادیار گروه فلسفه و کلام، عضو هیأت علمی دانشکده اهل‌البیت (ع). دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.  
ms.tayebnia@ahl.ui.ac.ir



## مقدمه و بیان مسئله

دستیابی به تمدن نوین اسلامی از مهم‌ترین دغدغه‌های رهبران نواندیش جهان اسلام در سده‌های گذشته و اخیر بوده و بی شک دستیابی به چنین جایگاهی، بدون شناخت عوامل شکل‌گیری تمدن اسلامی در دوران‌های گذشته و همچنین آسیب‌ها و عواملی که سبب اضمحلال و فروپاشی آن تمدن عظیم گشت، امکان‌پذیر نخواهد بود.

زمینه‌ها، عوامل و اسباب شکل‌گیری و گسترش تمدن اسلامی، ریشه در عصر دعوت دارند. به عبارت دیگر، مهم‌ترین علل و عوامل فکری تمدن اسلامی در معارف قرآن که محور دعوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود، نهفته است. اگرچه گسترش قلمروهای اسلامی و دست یافتن مسلمانان به مظاهر، یافته‌ها و علوم تمدن‌های دیگر و بهره‌گیری مسلمانان از عالمان و دانشمندان غیر مسلمان، از جمله علل گسترش تمدن اسلامی است، ولیکن علت اصلی شکل‌گیری و توسعه تمدن اسلامی در متن تعالیم اسلامی نهفته است.

در این میان نقش اهل بیت علیهم‌السلام و به تبع ایشان عالمان و دانشمندان بسیار تأثیرگذار بوده است. اگرچه بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقش ائمه اطهار (علیهم‌السلام) در رهبری سیاسی جامعه نادیده گرفته شد، ولی رهبری فکری و علمی آنان هیچ‌گاه زایل نشد و با وجود مخالفت حاکمان اموی و عباسی با هرگونه فعالیت سیاسی آنان، آن بزرگواران بیشترین نقش را در هدایت فکری و فرهنگی جامعه داشتند و بیشتر از هر کس دیگری در پدید آمدن و توسعه زمینه‌های شکل‌گیری تمدن اسلامی نقش ایفا کردند. پس از آن نیز رهبران مسلمان با تاسی از روش ائمه، به ادامه راه آنان پرداخته، در زمان‌های گوناگون با اشکال مختلف در این امر خطیر تأثیرگذار بوده‌اند.

از جمله مفاهیم دینی بسیار مؤثر در شکل‌گیری تمدن اسلامی، مفهوم عام احسان و امور خیریه و مصداق خاص آن یعنی وقف و ورود آن به عرصه‌های مختلف اجتماعی بوده است. مفاهیمی همچون زکات، خمس، انفاق، صدقه، وقف، قربانی، ولیمه، نذر و ... و گره خوردن آن با سبک زندگی مسلمانان، سبب شد فعالیت‌های نیکوکارانه از صرف کمک کردن به نیازمندان خارج شده و کارکردهای گوناگون علمی، آموزشی، مذهبی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پیدا کند.

تأسیس مدارس علمیه، راه اندازی مجتمع‌های بزرگ علمی و آموزشی مانند ربع رشیدی، احداث صدها کتابخانه، رصدخانه و مراکز پژوهشی، ساخت هزاران بیمارستان، آب‌انبار،

کاروان‌سرا، پل، جاده، بازار و همچنین مراکز عبادی و معنوی مانند حرم‌های اهل‌بیت علیهم‌السلام، مساجد، حسینیه‌ها، تکایا و مقابر امام‌زادگان و ... توسط خیرین و واقفان، بی شک نقش بی بدیلی در شکل‌گیری و رشد تمدن اسلامی در قرن‌های گذشته داشته است.

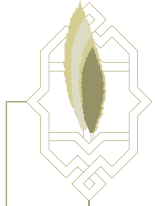
متأسفانه علی‌رغم این پیشینه درخشان، در یکی دو قرن اخیر شاهد افول جایگاه وقف و نیکوکاری در جهان اسلام و افول اولویت آن نزد رهبران دینی بوده‌ایم<sup>۱</sup>. به موازات این افول، گرایش به فعالیت‌های نیکوکارانه به ویژه در قالب حقوقی آن - یعنی مؤسسات و بنیادهای خیریه - و اقبال حاکمان آنها به این امر، در مغرب زمین از رشد چشمگیری برخوردار بوده و این مؤسسات توانسته‌اند نقش قابل توجهی در توسعه علمی، آموزشی، اقتصادی و اجتماعی غرب ایفا نمایند.

دستیابی به تمدن نوین اسلامی که همان رشد و پیشرفت همه جانبه مادی و معنوی فرد و جامعه در چارچوب آموزه‌های قرآن، پیامبر اکرم و اهل بیت علیهم‌السلام است، بدون توسعه و همگانی شدن فعالیت‌های خیرخواهانه به ویژه وقف و با نقصان توجه ویژه رهبران دینی امکان پذیر نخواهد بود. آیت الله خامنه‌ای به‌عنوان متفکر، دین‌شناس و در عین حال حاکم اسلامی مسلط و نظریه پرداز در حوزه تاریخ تحلیلی از جمله رهبران دغدغه مند در این حوزه می‌باشند که به بیان و طرح ایده تمدن نوین اسلامی و مطالبه‌گری آن پرداخته‌اند که بروز آن در سخنرانی‌ها و فرمایشات بسیار ایشان در این زمینه متبادر می‌باشد. لذا در این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی با بررسی سخنان مقام معظم رهبری، ضمن تبیین نقش گسترش وقف و نیکوکاری در رشد و پیشرفت مادی و معنوی مسلمانان به الزامات و سیاست‌های تحقق آن در سطح ملی پرداخته خواهد شد.

## ۱. پیشینه تحقیق

در خصوص موضوع تحقیق با بررسی سایت‌های معتبر همچون sid، مگ ایران، نورمگز، ایران‌داک و... دیده شد که در حوزه تأثیر وقف در تمدن‌سازی و همچنین نظرات رهبری در خصوص لزوم توجه و اقدام برای تمدن‌سازی نوین به طور مجزا تحقیق‌هایی انجام گردیده است ولیکن با موضوع پیش رو هیچ تحقیقی دیده نشد که نگرش نوین مقاله حاضر را نشان می‌دهد.

۱. تاجایی که در سند پیشنهادی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، به مسأله وقف و نیکوکاری توجه شایانی نشده است و این حاکی از آن است که جامعه نخبگان و از جمله طراحان این سند، شناخت درستی از این حوزه و اهمیت آن در احیاء تمدن اسلامی ندارند.



## ۲. مفاهیم کاربردی

در ذیل به برخی مفاهیم مهم و کاربردی پرداخته می‌گردد.

وقف: وقف به معنای حبس و منع است و در اصطلاح عقدی است که نتیجه آن، ایستایی اصل و رهایی منافع آن است (ابن منظور، ۱۳۶۳: ۳۹۵). طبق ماده ۵۷ در قانون مدنی وقف یعنی، حبس عین و تسبیل منفعت. وقف فقط نسبت به اعیان امکان پذیر است به عبارتی اموال ملموس و مادی می‌توانند موضوع وقف قرار بگیرند مثل، درختان، ساختمان و هرچیزی که جزء کالای مادی و فیزیکی و قابل لمس کردن باشد (قانون مدنی، ۱۳۹۸)

امور خیر: خیر در لغت به معنای کرم، شرف، جود، فضل، اصل و سجه معنی شده است (مدنی، ۱۳۸۴: ۴۱۱). همچنین لغت‌شناسان خیره را به معنای بخشندگی و نیکی دانسته‌اند (بستانی، ۱۳۷۵: ۳۷۸). عطف لفظ خیر به کرم و بخشندگی در میان لغویان تا آن حد است (زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۶: ۳۷۸) که صاحب کتاب العین، در مقابل واژه «الخیر»، چنین نگاه‌اشته است: الهبه (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۴: ۳۰۲). بنابراین نخستین ویژگی یک امر یا فعالیت خیر، مجانی، غیر معاوضی یا غیر انتفاعی بودن آن است. همچنین صاحب لسان العرب از باب «الاشیاء تعرف بأضدادها» خیر را ضد شر قلمداد کرده است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۴: ۲۶۴). بر اساس این، فعالیت یا امری خیر است که به نفع مادی یا معنوی دیگران انجام شود و شامل هدایای نقدی (پول، سکه و...) و غیر نقدی (ملک، ساختمان، زمین و...)، فعالیت‌های داوطلبانه و خدمات رایگان (وقف زمان، علم، مهارت و...) می‌باشد همچنین لازم به ذکر است امور خیر گاهی توسط اشخاص حقیقی انجام می‌پذیرد که همان خیرین می‌باشند و گاهی توسط اشخاص حقوقی همچون مؤسسات خیریه و ... انجام می‌شود.

تمدن: در فرهنگ فارسی تمدن به معنای شهرنشین شدن، خوی شهری گزیدن و با اخلاق مردم آشنا شدن، زندگانی اجتماعی؛ همکاری مردم با یکدیگر در امور زندگانی و فراهم کردن اسباب ترقی و آسایش خود تعریف گردیده است (عمید، ۱۳۸۹، ج ۱: ۵۳۰) ابن خلدون مؤلفه‌های مدنیت را جمعیت، ثروت، کار، صنعت، دانش، هنر، جغرافیا، شهرنشینی، دین و عصبیت دانسته است (آدمی، ۱۳۸۷: ۳۹) و بیان می‌دارد با تأسیس شهرها و شهرک‌ها و استقرار است که حکومت، مدنیت، مکاسب زندگی، صنایع و علوم، و وسایل

رفاه و آسایش در آن پدید می‌آید (سیه‌ری، ۱۳۸۵: ۳۲). به اعتقاد علامه جعفری تمدن عبارت است از برقراری نظم و هماهنگی در روابط انسان‌های یک جامعه که تصادم‌ها و تزاخم‌های ویرانگر را منتفی ساخته و مسابقه در مسیر رشد و کمال را قائم مقام آن‌ها بنماید، به طوری که زندگی اجتماعی افراد و گروه‌های آن جامعه موجب بروز و به فعالیت رسیدن استعداد‌های سازنده آن‌ها باشد (جعفری، ج ۶، ۱۳۷۳: ۲۳۳). لوکاس، فرهنگ و تمدن را یکی دانسته، ولی دامنه و زمان فرهنگ را محدودتر از تمدن تلقی کرده است. «فرهنگ و تمدن راه مشترک زندگی، اندیشه و کنش انسان است (لوکاس، ۱۳۸۴، ج ۱: ۲۰). بنابراین می‌توان تعریف تمدن در این نوشتار را، آشنایی مردم با اخلاق برای همکاری و زندگانی اجتماعی در جهت ترقی، آسایش و تعالی فرهنگی و در افق بالاتر نیل به کمال انسانی و بروز استعداد‌های سازنده بیان نمود.

تمدن اسلامی: بیانگر همه جنبه‌های سیاسی و فرهنگی و اقتصادی جامعه است که ابعاد وجودی فرد و جامعه را پوشش می‌دهد. تمدن اسلامی، تمدنی دینی است که همه مؤلفه‌های آن بر محور اسلام می‌گردد؛ بدین ترتیب، تمدن اسلامی از همه ویژگی‌های تمدن الهی در چهارچوب آموزه‌های قرآنی و متکی بر سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برخوردار است و مؤلفه‌های آن، دین، اخلاق، علم، عدالت، قوانین، مقررات، اصول دینی و غیره است (جان احمدی، ۱۳۸۸: ۵۱-۵۲). به اعتقاد ابن‌نبی برای حصول تمدن اسلامی، باید مجموعه‌ای از شروط اخلاقی و مادی حاصل گردد (بابایی، ۱۳۹۰: ۴۶-۴۹).

به نظر می‌رسد در میان محققان حداقل دو برداشت از مفهوم تمدن اسلامی و یا دو رویکرد در مورد آن وجود دارد: یکی تمدنی که توسط مسلمانان و در طول ۱۴ قرن گذشته، ایجاد شده است. بر اساس این رویکرد، ما در دوران‌های گوناگون و در سرزمین‌های اسلامی، تمدن‌های متعدد و متفاوتی را می‌بینیم که حتی در برخی جهات با ارزش‌های اسلامی در تعارض بوده است، هر چند برخی به محصول کل این چهارده قرن تمدن اسلامی گفته‌اند. رویکرد دوم که با توجه به بیانات مقام معظم رهبری مد نظر ایشان نیز می‌باشد تمدن آرمانی اسلامی می‌باشد که مبتنی و برخاسته از قرآن، روایات و سیره اهلبیت علیهم السلام می‌باشد و مد نظر در این مقاله می‌باشد.



### ۳. تعریف تمدن اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری

تعریف مقام معظم رهبری از تمدن اسلامی، فضایی است که انسان در آن فضا به لحاظ معنوی و مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی برسد که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است. زندگی خوب و عزتمندی داشته باشد، انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت. تمدن اسلامی به این معنی است و هدف و آرمان نظام جمهوری اسلامی این است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۰۳/۲۲).

در این تعریف ابعاد گوناگون فرهنگ و تمدن مادی و معنوی بشر مطرح شده است که منجر به تکامل او و قرب به خدا می‌شود. در جمع‌بندی آرای فوق، نکات ذیل را می‌توان بیان کرد: ۱) تمدن اسلامی بر اساس آیات قرآن و توسط پیامبر ﷺ پایه‌ریزی شده است. ۲) تمدن اسلامی همه ابعاد معنوی و مادی بشر در همه مکان‌ها و زمان‌ها را شامل می‌شود. ۳) از آنجایی که تمدن اسلامی مبتنی بر اسلام می‌باشد لذا، دارای پویایی است. به طور کلی، مراد از تمدن اسلامی، همه دستاوردهای مسلمانان در ابعاد گوناگون اقتصادی، فرهنگی، مذهبی، اجتماعی، اخلاقی، مادی و معنوی، صنعت، اختراعات و اکتشافات است که از عصر پیامبر ﷺ شروع شد و با گسترش قلمرو اسلامی از مرزهای غربی چین تا اندلس را در بر گرفت. (اکبری و همکاران، ۱۳۹۴: ۸۸-۹۲)

ولذا به نظر می‌رسد منظور مقام معظم رهبری از تمدن نوین اسلامی، احیا تمدن اسلامی اصیل یعنی احیا عزت و کرامت انسان مسلمان در کنار برخورداری از دستاوردهای علمی و تکنولوژیکی روزآمد می‌باشد (سایت Khamenei.ir، فیش‌های تمدن اسلامی)

### ۴. نقش وقف و امور خیریه در شکل‌گیری تمدن اسلامی

وقف و امور خیر یکی از مهم‌ترین مفاهیم دینی است که سبب پیدایش بارزترین آثار تمدن اسلامی شده که به اشکال مختلف و در قالب مراکز مذهبی همچون حرم‌های اهل بیت علیهم‌السلام و امام‌زادگان، مساجد و تکایا، مراکز بهداشتی نظیر بیمارستان‌ها، مراکز آموزشی همچون مدارس، کتابخانه‌ها و حوزه‌های علمیه، کاروان‌سراها، بازارها و ... در دوره‌های مختلف مورد توجه بوده است ولیکن در زمان فعلی با توجه به تغییرات گسترده در جوامع مختلف، وقف و امور خیر در جوامع اسلامی همچون ایران چندان پاسخگوی نیازها و مسائل مستحدثه نمی‌باشد و لزوم احیا و بازسازی آن متناسب با مسائل جامعه را نمایانگر می‌سازد. این در حالی است که رویکرد به این امر در کشورهای توسعه یافته با اقبال بسیار



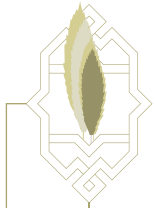
همراه بوده بسیاری از دانشگاه‌های برتر دنیا بیشتر هزینه‌های خود را از طریق موقوفات خود اداره می‌نمایند و از این امر در جهت فرهنگ‌سازی و تمدن‌سازی بهره می‌برند. مواردی همچون جوایز نوبل، اندیشکده‌های فعال و مؤثر جهان و ... از این گونه‌اند. با توجه به این مباحث، به روز سازی و اولویت سنجی حوزه‌های ورود وقف و امور خیر در عرصه حل بسیاری از مباحث جامعه بسیار مثمر ثمر می‌باشد که به دو شکل نهادسازی اقتصادی و نهادسازی فرهنگی در ایجاد و گسترش تمدن نوین اسلامی تأثیر گذار است:

#### ۴-۱. نهادسازی اقتصادی

از جمله تأکیدات مقام معظم رهبری برای نیل به تمدن نوین اسلامی که توسط امور خیر می‌تواند اصلاح و بهینه سازی شود نهادسازی اقتصادی می‌باشد. امور خیر به ویژه وقف، دارای کارکرد اقتصادی بوده، ورود فعالیت‌های خیرخواهانه به حوزه‌های عمومی - خصوصی معیشتی - اقتصادی مردم از جمله گام‌های مهم و اثر گذار در جهت ایجاد تمدن نوین اسلامی می‌باشد. به‌عنوان نمونه تأثیر موقوفات امیرالمؤمنین همچون احداث باغ، حفر چاه و ... و سپس وقف آن در جهت اصلاح امور مالی افراد نیازمند و در افقی بالاتر ایجاد تمدن اصیل - اسلامی مبین این مطلب می‌باشد. همچنین در قرون گذشته نیز شاهد این اثربخشی در کشور خودمان در دوره‌های مختلف همچون صفویه بوده‌ایم؛ فعالیت‌هایی همچون ساخت آب‌انبارها، سنگاب‌ها و سقاخانه‌ها، دارالشفاه، یتیم‌خانه‌ها و دارالمجانین‌های وقفی و یا بناهایی که درآمد آن‌ها صرف امور مورد نظر واقف می‌شد مانند حمام‌ها، کاروان‌سراها، دکان‌ها و تیمچه‌ها که هر یک در جای خود در آبادسازی و رونق بخشیدن به شهرها و روستاها و حتی راه‌های کشور به ویژه راه‌های زیارتی تأثیر بسیار داشتند (احمدی، ۱۳۹۱، ۴۸) و رشد چشمگیر تمدن اسلامی را در آن زمان به منصفه ظهور می‌رساند

#### ۴-۱-۱. نقش وقف و امور خیردر فقر زدائی

فرهنگ وقف و امور خیریه که از تأکیدات مبارک دین اسلام و دیگر ادیان می‌باشد و در فرهنگ دینی ما نیز به آن بسیار سفارش گردیده است تأثیر بسیار در زیادی در کاهش فقر در جامعه دارد. بدون تردید فقر و نابرابری‌های اقتصادی از زمره مهم‌ترین معضلات جامعه بشری است که از جایگاه ویژه‌ای در بین سایر مسائل اجتماعی برخوردار است. فقر از بنیادی‌ترین مشکلات و ناهنجارترین دردهای زندگی انسان است که با وجود پیشرفت



و توسعه گسترده در زندگی بشری، میزان آن نه تنها کاسته نشده بلکه شاید به گونه‌ای در حال افزایش است. مشکلات فقر صرفاً منحصر به پیامدهای خود فقر نمی‌باشد، بلکه مشکلات این مسأله اجتماعی زمانی شدت پیدا می‌کند که آن بستر ساز انحرافات می‌گردد. (اسفندیاری، ۱۳۸۲: ۲۳) فقر پدیده‌ای است که با ربودن امکانات مادی و رفاهی از قشر وسیع جامعه، زمینه رشد تفکر را در جامعه به زوال کشانده، پتانسیل‌ها و توانمندی‌های بالقوه جامعه را منهدم می‌کند. گسترش فقر در جامعه زمینه‌ساز افول ارزش‌های الهی و معنوی گردیده و به همین سبب زیر بناهای توحید در یک اجتماع را سست می‌سازد. با فلج شدن این زیر بناها، زمینه فقر جامعه در ابعاد مختلف مهیا می‌گردد، چرا که نهادهای مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه در رابطه‌ای متقابل علی و معلولی مدام در رابطه‌ای تأثیر و تأثر قرار دارند. پویائی نهاد اقتصادی یک جامعه، زمینه‌های مناسب برای رشد فرهنگ جامعه و در نهایت رشد نهادهای فرهنگی، سیاسی و اجتماعی را به دنبال می‌آورد و در مقابل زندگی با فقر و نداری نیز، پیامدهای گسترده‌ای را به همراه دارد. فقر و محرومیت سبب می‌شود تا فرد فقیر از زندگی خاصی به ناچار پیروی نماید که تأثیر آن در تمامی لایه‌ها و زوایای پنهان و آشکار زندگی‌اش نمودار است. این پیامدهای گسترده را می‌توان در ابعاد مختلف فردی، اجتماعی، فرهنگی، تربیتی، بهداشت و روان مورد بررسی قرار داد که در اینجا فقط اشارتی به آن می‌گردد.

در بعد اجتماعی معمولاً حضور افراد فقیر در عرصه‌های اجتماعی، چندان پررنگ نبوده و مشارکت آنان در فعالیت‌های عمومی مثل فعالیت در نهادها و سازمان‌های بزرگ یا بعضاً انجمن‌های عام‌المنفعه و داوطلبانه چشمگیر نمی‌باشد. این امر ناشی از فقدان منابع مالی یا تبعیض و امثال آن است. از پیامدهای فقر در بعد خانوادگی، دشواری زندگی به دلیل نامناسب بودن مسکن، نقصان مراقبت‌های بهداشتی و دسترسی به خدمات بهداشتی، بالا بودن نرخ زاد و ولد و مسایلی از این قبیل است. گروه‌های نیازمند به این خدمات که بیشتر شامل کودکان، شیر خوارگان، زنان باردار و سال‌خوردگان می‌شوند، به سبب پایین بودن کیفیت خدمات بهداشتی، دچار مصائب و مشکلات فراوانی هستند. همچنین سوءتغذیه، کمبود کالری و ویتامین‌ها به‌ویژه در دوره بارداری منجر به بروز معلولیت‌ها و مشکلات جسمی و روانی فراوانی می‌گردد که به طور قطع در آینده شغلی و کسب مهارت افراد تأثیرگذار است. (راچ، ۱۳۵۴: ۱۰۵-۱۰۶)

در بعد فرهنگی می‌توان از افت تحصیل، ترک تحصیل و نداشتن امکانات لازم برای

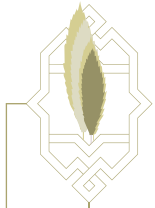
طی مدارج عالی تحصیلی نام برد. جامعه‌شناسان فرهنگ‌گرا با توجه به رابطه مثبت بین وضعیت تحصیلی، درآمد و موقعیت شغلی اظهار می‌دارند که اصولاً طبقه پایین به علت برخورداری از الگوی رفتار خاص، چندان میل و رغبتی به تحصیل از خود نشان نمی‌دهد. در بعد فردی و روانی، احساس محرومیت، ناکامی، سرخوردگی و امثال آن را می‌توان از پیامدهای فقر دانست و در عرصه اقتصادی، کم‌درآمدی، اشتغال ناقص و پایین بودن دستمزدها به دلیل فقدان مهارت و تجربه کاری از دیگر پیامدهای فقر می‌باشد. (افروغ، ۱۳۷۹: ۷۰)

با بررسی امور خیر در طی قرون گذشته، اقبال مردم به انجام امور خیر در راستای کاهش فقر افراد ضعیف بسیار مشهود می‌باشد و زمینه‌هایی چون فرهنگ اطعام حتی در ایام و مراسم‌های ویژه اسلامی، تأمین مسکن، تأمین شغل و .... همگی به توجه ویژه به این امر در اسلام و دیگر ادیان اذعان دارند.

#### ۴-۲-۲. اثربخشی وقف و امور خیر در ایجاد رفاه عمومی

از دیگر عوامل مؤثر در نهادسازی اقتصادی که به واسطه وقف و انجام امور خیر امکان پذیر می‌باشد و در منویات مقام معظم رهبری نیز به آن پرداخته شده است ایجاد رفاه عمومی برای مسلمانان به نحوی عادلانه است. مبحث فقر زدایی و رفاه عمومی ارتباطی تنگاتنگ داشته، در برخی جاها با یکدیگر هم‌پوشانی دارند. ولیکن در بیشتر موارد فقر زدایی دارای رویکردی خصوصی و فردی می‌باشد و در مقابل رفاه اجتماعی بیشتر به جنبه عمومی و اجتماعی می‌پردازد و به همین دلیل در این مقاله در دو مبحث جداگانه ذیل یک عنوان کلی به آن پرداخته شده است.

بدون شک رفاه عمومی از لوازم و زمینه‌های شکل‌گیری تمدن‌هاست است، بنابراین در اندیشه معظم له این امر مهم - که در اسلام نیز به آن توجه ویژه شده - مورد تأکید قرار گرفته است. ایشان اساس سیاست کلی اقتصادی کشور، را رفاه عمومی و عدالت اجتماعی بیان می‌دارند (۷۲/۵/۱۲). به اعتقاد ایشان، سیاست کلی اقتصاد مبتنی بر مسلک اقتصادی اسلام این است که باید ایجاد رفاه عمومی و عدالت اجتماعی در بین تک تک افراد جامعه باشد. ایشان در بیانات خود به این موضوع مهم توجه بسیاری داشته و به مسئولان کشور و حاکمان اسلامی توصیه نموده است که برای آسایش، امنیت روحی و روانی و اقتصادی مردم باید بیشتر تلاش کنند ایشان در صحبت‌های خود در



اول فروردین سال ۹۴ بیان داشتند " انتظار به حق مردم ما، این است که از یک اقتصاد شکوفا برخوردار باشند، رفاه عمومی باشد، طبقه ضعیف از وضعیت غیرقابل قبول خارج بشود، از مشکلات نجات پیدا کند؛ این‌ها انتظارات مردم ما است و این انتظارات به حق است." (<https://farsi.khamenei.ir/>)

ایشان در تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، به رفاه عمومی نیز بیاناتی فرموده و آن را مورد توجه قرار داده است. به اعتقاد ایشان «در واقع مؤلفه‌های این مجموعه، مسئله ایجاد تحرک و پویایی در اقتصاد کشور و بهبود شاخص‌های کلان از قبیل رشد اقتصادی، تولید ملی، اشتغال، کاهش تورم، افزایش بهره‌وری، رفاه عمومی ... است» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۲/۵/۱۲ و ۱۳۹۲/۱۲/۲۰).

نیل به این هدف مقدس از جمله زمینه‌هایی است که ورود امور خیر مثمر ثمر بوده و نقش متمیزی را ایفا می‌نماید.

### ۳-۲-۴. ممانعت از انباشت ثروت

انباشت ثروت به معنای متراکم شدن ثروت و سرمایه مادی جامعه، در دست فرد، قشر یا طبقه‌ای خاص است که از عوامل مؤثر در زوال و انحطاط جوامع مختلف به دلیل ممانعت از توزیع عادلانه سرمایه و امکانات مادی در میان اقشار، اصناف و طبقات مختلف جامعه می‌باشد. این امر رابطه متعادل میان افراد و اعضاء مختلف جامعه را، با ربودن ثروت و امکانات مادی، مختل و جامعه را به طبقات و لایه‌هایی تقسیم می‌کند که فاقد هر نوع اصالت انسانی و صرفاً بر مبنی تراکم ثروت، به وجود آمده‌اند. این طبقه بندی باعث ایجاد شکاف در میان اعضاء و افراد جامعه شده، به هر اندازه که شکاف طبقاتی بیشتر گردد توان جامعه برای ایجاد رابطه و هماهنگی میان اعضاء مختلف خویش کم رنگ‌تر می‌گردد. بدین گونه، جامعه‌ای که روابط اجتماعی میان اعضاء آن رو به گسستگی باشد، به زوال و انحطاط سوق داده می‌شود؛ زیرا دیگر قادر به تأمین نیازمندی‌های خویش نیست.

این موضوع در اسلام نیز مورد اهتمام ویژه بوده، کنز و ثروت اندوزی کاری ناپسند به‌ویژه از سوی عالمان و آخرت خواهان تلقی گردیده است. خداوند می‌فرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْأَخْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بسیاری از دانشمندان یهود و راهبان، اموال مردم را به ناروا می‌خورند،

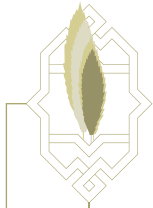
و [آنان را] از راه خدا باز می‌دارند، و کسانی که زر و سیم را گنجینه می‌کنند و آن را در راه خدا هزینه نمی‌کنند، ایشان را از عذابی دردناک خبر ده. (توبه، ۳۴)

از نظر امام رضا علیه السلام این صفت مذموم به واسطه پنج خصلت در فرد ایجاد می‌گردد: " لا يُجْمَعُ الْمَالُ إِلَّا بِخَمْسِ خِصَالٍ: بِبُخْلِ شَدِيدٍ، وَ أَمَلٍ طَوِيلٍ، وَ حِرْصٍ غَالِبٍ، وَ قَطِيعَةِ الرَّجْمِ، وَ إِثَارِ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ؛" ثروت، انباشته نمی‌گردد مگر با یکی از پنج خصلت: بخیل بودن، آرزوی طول و دراز داشتن، حریص بر دنیا بودن، قطع صلہ رحم کردن، آخرت را فدای دنیا کردن. (حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۲۱: ۵۶۱) ولذا کسی که فکر آخرت است و می‌داند آخرت تنها با اعمال خیر و نیک ما در دنیا آباد می‌شود؛ پس دنبال حسنات دنیا و آخرت می‌رود و هم سعادت دنیا را تجربه می‌کند و هم سعادت آخرت را تأمین می‌نماید. این گونه است که هم خود می‌خورد و هم به دیگری در قالب امور خیر همچون انفاق، احسان، زکات، صدقه، وقف و ... می‌دهد؛ زیرا می‌داند: البیوم عمل بلحساب و غذا حساب بلاعمل؛ امروز روز عمل است نه حسابرسی و فردا روز حسابرسی است نه روز عمل. (نهج البلاغه، نامه ۳۱)

با توجه به آثار سوء این پدیده، وقف و امور خیر به عنوان نقطه مقابل آن اهمیت می‌یابد. بدین معنی که اگر تراکم ثروت باعث عدم توزیع عادلانه‌ای ثروت در میان افراد، اصناف و اقشار گوناگون جامعه می‌گردد، انجام وقف و امور خیر، در مقابل، باعث برخورداری عادلانه افراد، اصناف و اقشار مختلف جامعه می‌شود. به بیان دیگر اگر تراکم ثروت باعث تعمیق شکاف طبقاتی شده و جامعه را به طبقات مختلف فقیر و ثروتمند، تقسیم می‌کند، امور خیر، فاصله طبقاتی میان طبقات مختلف جامعه را به حداقل رسانده، تراکم سرمایه‌های مادی و امکانات مادی و رفاهی یک جامعه را از انحصار عده‌ای خاص خارج و در اختیار آحاد مردم قرار می‌دهد. نتیجه این کار، کاهش شکاف اجتماعی بین طبقه بالا و پائین، و افزایش تحقق عدالت اجتماعی می‌باشد.

## ۵. نهاد سازی فرهنگی

از دیگر مؤلفه‌هایی که تمدن نوین اسلامی را متأثر ساخته، در قرون گذشته تأثیر بسزایی در این امر داشته است نهادسازی فرهنگی با انجام امور خیرخواهانه همچون وقف می‌باشد. تأسیس مدارس نظامیه در نیمه دوم قرن پنجم هجری به وسیله خواجه نظام الملک طوسی وزیر مقتدر عصر سلجوقی یکی از رویدادهای مهم علمی و مذهبی در تاریخ اسلام به شمار می‌رود که اگرچه انگیزه‌های سیاسی و مذهبی در شکل‌گیری و رونق



آن نقش بسزایی داشته است اما منشاء آثار بسیاری در تمدن اسلامی شد. خواجه نظام الملک در دوران وزارت خود مدارس بسیاری را در سراسر بلاد اسلامی از جمله بغداد، بصره، موصل، اصفهان، نیشابور، بلخ، هرات، بخارا، مرو، آمل و طبرستان تأسیس و این مدارس به نام وی «نظامیه» خوانده شد. وی موقوفاتی برای این مدرسه تعیین نمود که نه تنها برای حقوق کارکنان و استادان آن کافی بود، بلکه مقداری از آن نیز همه ساله در راه طالبان علم صرف می‌شد. (سبکی، بی تا، ج ۲، ۱۳۷) این درآمد سرشار، با رفع نیازمندی‌های دانشجویان امکان تحصیل بدون دغدغه را برای آنان فراهم ساخته، زمینه کامیابی‌های فرهنگی بسیاری از دانشمندان و پژوهندگان را از این مدرسه به دنبال داشت. (آلوسی، ۱۴۲۷: ۱۰۳) این مدارس مراکز مهم فعالیت‌های علمی عصر بوده، از همه سرزمین‌های اسلامی طالبان علم به این مدارس روی می‌آوردند و علاوه بر تحصیل علم و تأمین معاش، کتابخانه، بیمارستان، مسجد و مجلس وعظ هم در دسترس آنها بود (زرین کوب، ۱۳۸۷: ۳۸-۹). ولذا با تأسیس این نظامیه‌ها نهضت بزرگ علمی و فرهنگی در کشورهای اسلامی شروع گردید و فکر بلند وزیر دانشمند سلجوقی (خواجه نظام الملک) سرمشق سایر وزراء و بزرگان اسلامی گردید. همچنین مجموعه ربع رشیدی نیز در زمان خود نقشی این چنین بازی نموده و اثربخشی بسیاری داشته است.

با توجه به مطالب بیان شده نقش مؤثر نهاد سازی فرهنگی در ایجاد و گسترش تمدن نوین اسلامی آشکار می‌گردد. این نهاد در عرصه‌های ذیل در ایجاد تمدن نوین اسلامی مؤثر می‌باشد.

### ۵-۱. نقش وقف و امور خیر در ارتقاء ارزش‌های الهی و معنوی

تمدن اسلامی که تار و پود آن را باورهای دینی و معنوی تشکیل داده‌اند با دارا بودن ویژگی‌های برجسته جایگاه متمایزی را در میان تمدن‌های پیشین و نوین به خود اختصاص داده است. از جمله خصوصیات بارز این تمدن که در اندیشه مقام معظم رهبری نیز به آن توجه ویژه مبذول گردیده است ارتباط محکم این تمدن با ارزش‌های معنوی و جایگاه آن در تداوم این تمدن می‌باشد. فاکتوری که حلقه گمشده بشریت در غرب بنا به اظهارات مقام معظم رهبری است (قاسمی و عساریان نژاد، ۱۳۹۴: ۸۳)

ایشان در سخنان خود در خصوص گام دوم انقلاب در تاریخ ۹۷/۱۱/۲۲ به نقش معنویت و ارزش‌های معنوی در تمدن نوین اسلامی اشاره داشته بیان کردند: «معنویت به معنی برجسته

کردن ارزش‌های معنوی از جمله اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه است و اخلاق به معنی رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو بوده، معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی، اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است، بودن آن‌ها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند... شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هرچه بیشتر رشد کند، برکات بیشتری به بار می‌آورد، این، بی‌گمان محتاج جهاد و تلاش است و این تلاش و جهاد، بدون همراهی حکومت‌ها توفیق چندانی نخواهد یافت... اخلاق و معنویت، البته با دستور و فرمان به دست نمی‌آید، پس حکومت‌ها نمی‌توانند آن را با قدرت قاهره ایجاد کنند، اما اولاً خود باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند، ثانیاً زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند و به نهادهای اجتماعی در این باره میدان دهند و کمک برسانند، با کانون‌های ضد معنویت و اخلاق، به شیوه معقول بستیزند و خلاصه اجازه ندهند که جهنمی‌ها مردم را با زور و فریب، جهنمی کنند. (مقام معظم رهبری، بیانه گام دوم انقلاب)

در این خصوص و در جهت نیل به این اهداف، نقش وقف و امور خیر و ترویج آن توسط افراد و همچنین حکومت، در تکامل و توسعه ارزش‌های الهی و معنوی بسیار چشمگیر می‌باشد. به بیان دیگر یکی از مهم‌ترین نقش‌هایی که وقف و امور خیر در توسعه فرهنگ و تمدن ایفاء می‌کند، توسعه معنوی جامعه است. توسعه معنوی جامعه به معنی رشد جامعه در بعد الهی، دینی و ارزش‌های معنوی می‌باشد؛ زیرا انجام امور خیر از دیدگاه انسانی و معنوی عبارت است از به خدمت گرفتن ارزش‌ها و امکانات مادی به نفع ارزش‌های معنوی. به عبارت دیگر جامعه زمانی از لحاظ معنوی بیشتر رشد می‌کند که ارزش‌های مادی و امکانات مادی‌اش در خدمت امکانات و ارزش‌های معنوی‌اش باشد و در عوض ارزش‌های معنوی زمانی در یک جامعه می‌میرد که ارزش‌های معنوی در خدمت امکانات و ارزش‌های مادی بوده و توانمندی‌های انسانی، الهی و معنوی جامعه قربانی اهداف مادی، غیر انسانی و غیر الهی گردد. ولذا هنگامی که ابتذال، پوچی‌گری، فرهنگ مصرف، مادیت و بی‌دینی در جامعه‌ای رشد و همگانی گردد، باعث می‌گردد ارزش‌های الهی و معنوی در آن جامعه به نفع ارزش‌های مادی قربانی شوند. و از سوی دیگر جامعه‌ای که در آن ارزش‌های معنوی حاکم گردد، ارزش‌های مادی در خدمت ارزش‌های معنوی بوده و ثروت و سرمایه‌های مادی جامعه به صورت عادلانه در میان همه اقشار جامعه توزیع می‌گردد.



## ۵-۲. خردورزی و علم آموزی در سایه موقوفات آموزشی

در حوزه تمدن‌سازی نوین اسلامی، ارکان، مبانی و چارچوب نظری دیدگاه رهبر معظم انقلاب برگرفته از مبانی فکری امام خمینی (ره) است و بر این اساس ایشان بر «عقلانیت و خردورزی» به عنوان مهم‌ترین بن‌مایه سبک زندگی در تمدن نوین اسلامی تأکید دارند. مقام معظم رهبری نیز بر این اساس عقلانیت را که یکی از شاخصه‌های بارز و مهم تمدن اسلامی است، چنین تعریف کرده‌اند: «عقلانیت یعنی نیروی خرد انسان را استخراج کردن و آن را بر تفکرات و اعمال انسان حاکم قرار دادن. برای تشکیل مدینه فاضله و امت واحده اسلامی و تمدن بزرگ اسلام، باید عقل را معیار و ملاک قرار بدهیم. اولین کار در این راستا این است که تقویت نیروی عقل و خرد در جامعه انجام شود. عقلانیت به معنای محافظه‌کاری، مسامحه و تساهل نیست». همچنین به اعتقاد ایشان یکی از مشکلات بزرگ مسلمانان، به کار نبستن عقل و خرد خدادادی است که سبب خسارت‌های مادی، معنوی، دنیوی و اخروی شده و تشکیل امت بزرگ واحد اسلامی را با اخلال مواجه کرده است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۴/۲۹). معظم‌له دوری روحانیت غربی از عقلانیت و خردورزی در دوره قبل از رنسانس را عامل اصلی پیدایش تمدن منحرف غربی معرفی می‌کند (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۳/۲۲).

از دیگر مباحث مهم در این حوزه که به گونه‌ای مکمل و همراه خردورزی و عقلانیت تلقی می‌گردد علم آموزی و کسب دانش می‌باشد که از بدو پیدایش اسلام تاکنون مورد تأکید رهبران دینی بوده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همواره به مسلمانان سفارش و تأکید به دانش‌افزایی می‌کردند که بعضاً موجب تعجب عموم پژوهشگران شده است (اکبری، ۱۳۹۱: ۲۰). روایاتی مانند «فراگیری علم برای همه مسلمانان واجب است» (مجلسی، بی‌تا، ج ۱: ۹۶). و «دانشمندان وارثان پیامبران‌اند» (فیض کاشانی، ۱۳۶۱: ۱۴-۱۳) و «فرشتگان بال‌های خود را زیر پای دانشجویان می‌گسترانند» (کلینی، بی‌تا، ج ۱: ۳۴) و روایات بسیاری از این قبیل، بیانگر اهمیت علم در اسلام و نزد آن حضرت است.

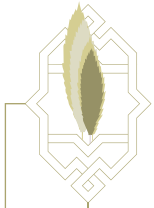
در اندیشه رهبر معظم انقلاب نیز، مجاهده علمی و شکستن مرزهای علم، چراغ راه تمدن اسلامی است. به اعتقاد ایشان، فردای بدون علم تاریک است و چراغ راه تحقق تمدن اسلامی، مجاهده علمی است. علم از دیدگاه ایشان سلطه‌آور است و جامعه صاحب علم را قدرتمند می‌سازد. ایشان به میزان بسیاری تأکید می‌کنند که علم را باید فراگرفت و به تولید و صدور آن پرداخت و به مصرف آن نباید بسنده کرد. در این صورت تولید



علم می‌تواند در مسیر رشد و اعتلای تمدن اسلامی باشد. به اعتقاد ایشان دشمن از هیچ تلاشی برای عدم تحقق این اصل فروگذار نمی‌کند و بنابراین، باید ترفندهای دشمن را شناخت. نکته بسیار مهم در دیدگاه ایشان درباره علم، شکستن مرزهای به‌وسیله مسلمانان است. به اعتقاد ایشان، تاجر و جزم‌گرایی در خصوص یافته‌های علمی گذشتگان یا متفکران غربی، آفت اصلی تحقق رشد علمی است و آزاداندیشی راه برون‌رفت از این آفت است (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۱۲/۹).

لکن به اعتقاد ایشان، ارزش علم منوط به معنویت است و علم بدون معنویت فاقد هر گونه ارزشی است. زیرا علم بدون معنویت همان چیزی می‌شود که اکنون تمدن غربی با آن مواجه است. تمدنی که با روش‌های پیچیده علمی توانست موفقیت‌های بزرگی به دست آورد. اما به لحاظ معنویت دچار عظیم‌ترین خسارت‌ها گردید. تأکید رهبر معظم انقلاب بر علم همراه با معنویت به این دلیل است که علم با خود قدرت می‌آورد و اگر این قدرت رها باشد، عامل فساد و فتنه‌انگیزی می‌شود. بر عکس زمانی که معنویت علم را فرماندهی کند، عامل سعادت می‌شود و در خدمت آرامش و امنیت مردم قرار می‌گیرد. مثال گویای سوءاستفاده از علم، استفاده غیرانسانی ایالات متحده آمریکا از فناوری بالای هسته‌ای در قتل و عام مردم بی‌گناه هیروشیما و ناکازاکی است (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۵/۸/۲۰).

توجه ویژه اسلام و رهبران دینی به دانش‌پروری و نیاز به درک صحیح آموزه‌های اسلامی از صدر اسلام تاکنون باعث گردید مسلمانان درصدد توسعه علم و دانش و گسترش فرهنگ و پیشرفت تمدن اسلامی برآیند و در این راه از انجام فعالیت‌های خیرخواهانه به ویژه وقف مدد بجویند. اوقاف، بهترین و مهم‌ترین منبع درآمد برای تعلیم و تربیت در جوامع اسلامی بوده و استمرار آموزش و فعالیت علمی در دولت‌های اسلامی طی قرن‌های متمادی به این منبع مالی بستگی داشته است. این امکان، بیشتر از طریق درآمد حاصله از موقوفات مدارس و اماکن آموزشی ایجاد می‌شده است. نگاهی گذرا به وقف‌نامه‌ها، گویای این حقیقت است که مدارس، مؤسسات فرهنگی-آموزشی بسیاری از سنت پسندیده وقف به یادگار مانده است. واقفان برای بالابردن سطح فرهنگی جامعه به تأسیس مدارس توجه می‌کردند. بیشتر مدارس قدیم و برخی از مدارس جدید، با درآمد موقوفات اداره می‌شدند. گسترش موقوفات آموزشی در دوران‌های مختلف به ویژه عصر صفویه در قالب مراکز آموزشی، مدارس، حوزه‌های علمیه در این راستا بوده و تأثیر بسیاری را در فرهنگ و تمدن زمان خویش داشته است. (فقیه اسفندیاری، ۱۳۹۰: ۱۵۸)



## نتیجه گیری

زمینه و عوامل شکل‌گیری و گسترش تمدن اسلامی، ریشه در عصر دعوت داشته و در معارف قرآن که محور دعوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده، نهفته است. پس از آن نیز نقش رهبران و حاکمان دینی بسیار تأثیر گذار بوده است به گونه‌ای که بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اگر چه نقش ائمه علیهم السلام در رهبری سیاسی جامعه نادیده گرفته شد، ولی رهبری فکری و علمی آنان هیچ گاه زایل نشد و با وجود مخالفت حاکمان با هرگونه فعالیت آنان و اعمال محدودیت‌ها، آن بزرگواران بیشترین نقش را در هدایت فکری و فرهنگی جامعه داشتند و بیشتر از هر کس دیگری، در پدید آمدن و توسعه زمینه‌های تمدن اسلامی نقش ایفا کردند. پس از آن نیز رهبران مسلمان با تاسی از روش ائمه، به ادامه راه آنان پرداخته، در زمان‌های گوناگون با اشکال مختلف در این امر خطیر تأثیر گذار بوده‌اند.

از جمله عرصه‌های بسیار مؤثر در تمدن سازی، تأثیر وقف و امور خیر و ورود آن به عرصه‌های مختلف بوده است. مفاهیمی همچون زکات، خمس، انفاق، صدقه، وقف، قربانی، ولیمه، نذر و ... و گره خوردن آن با سبک زندگی مسلمانان، زمینه خروج فعالیت‌های نیکوکارانه از کمک کردن صرف به نیازمندان را فراهم ساخته و کارکردهای گوناگون علمی، آموزشی، مذهبی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را برای آن ایجاد نموده است.

بدین گونه وقف و امور خیر یکی از بارزترین آثار تمدن اسلامی می‌باشد که به اشکال مختلف همچون مراکز مذهبی همچون مساجد و هیئات، مراکز بهداشتی نظیر بیمارستان‌ها، مراکز آموزشی همچون مدارس، کتابخانه‌ها و حوزه‌های علمیه و ...، مراکز نظامی و مراکز تفریحی در دوره‌های مختلف مورد توجه و کاربرد بوده است. ولیکن با وجود پیشینه درخشان این امور، در زمان فعلی با توجه به تغییرات گسترده در جوامع مختلف، وقف و امور خیر در جوامع اسلامی همچون ایران چندان پاسخگوی نیازها و مسائل مستحدثه نمی‌باشد و لزوم احیا و بازسازی آن متناسب با مسائل جامعه را نمایانگر می‌سازد.

در این راستا ورود و تأکید مقام معظم رهبری در سنوات گذشته نسبت به احیا و استفاده از این امور در راستای ایجاد و اشاعه تمدن نوین اسلامی مشهود و نکات و هدف‌گذاری های مهمی از آن استخراج می‌گردد. بر اساس تأکیدات ایشان، در راستای به روز سازی و اولویت سنجی حوزه‌های ورود وقف و امور خیر در زمینه حل بسیاری از مباحث جامعه دو عرصه مهم نهاد سازی اقتصادی و نهاد سازی فرهنگی در ایجاد و گسترش تمدن نوین اسلامی بسیار مؤثر می‌باشد.

در عرصه نهادهسازی اقتصادی، ورود فعالیت‌های خیرخواهانه به حوزه‌های عمومی - خصوصی و معیشتی - اقتصادی مردم از جمله گام‌های مهم و اثرگذار در جهت ایجاد تمدن نوین اسلامی می‌باشد. بر اساس نتایج تحقیق، این مهم در سه قالب نقش وقف و امور خیردر فقر زدائی، ارتقاء ارزش‌های الهی و معنوی و ممانعت از انباشت ثروت تجلی می‌یابد.

فقر پدیده‌ای است که با ربودن امکانات مادی و رفاهی از جامعه، زمینه رشد تفکر را در اجتماع به زوال کشانده، پتانسیل‌ها و توانمندی‌های بالقوه آن را منهدم می‌کند. گسترش فقر در جامعه زمینه ساز افول ارزش‌های الهی و معنوی گردیده و به همین سبب زیر بناهای توحید در یک اجتماع را سست و زمینه فقر جامعه در نهادهای مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه در به دلیل رابطه متقابل علی و معلولی آنان فراهم می‌سازد. ولیکن انجام امور خیر اولویت دار به شکل وقف و ... و جهت دهی صحیح و اصولی به این امور، بستر ایجاد فقر اجتماعی را کاهش داده، از بروز این آسیب جلوگیری می‌نماید.

از دیگر عوامل مؤثر در نهادهسازی اقتصادی که به واسطه وقف و انجام امور خیر امکان‌پذیر می‌باشد و در منویات مقام معظم رهبری نیز به آن پرداخته شده است ایجاد رفاه عمومی برای مسلمانان به نحوی عادلانه است. رفاه عمومی از لوازم و زمینه‌های شکل‌گیری تمدن‌ها بوده و ارتباط مستقیم و دوسویه با فقر اجتماعی دارد. بنابراین در اندیشه معظم له این امر مهم - که در اسلام نیز به آن توجه ویژه شده - مورد تأکید قرار گرفته و سیاست کلی اقتصادی کشور، رفاه عمومی و عدالت اجتماعی بیان گردیده است. ممانعت از انباشت ثروت از دیگر آثار نهادهسازی اقتصادی توسط امور خیر می‌باشد. به بیان دیگر تراکم ثروت در جامعه به‌عنوان آسیب اجتماعی قابل طرح می‌باشد و باعث ایجاد و تعمیق شکاف طبقاتی شده و جامعه را به طبقات مختلف فقیر و غنی تقسیم می‌کند. این در حالی است که امور خیر همچون وقف، نذر، اطعام و ... در جهت مقابله با این آسیب عمل نموده و با خارج ساختن سرمایه‌های مادی و امکانات مادی و رفاهی یک جامعه از انحصار عده‌ای خاص، آن را در اختیار آحاد مردم قرار می‌دهد. نتیجه این کار، کاهش شکاف اجتماعی-طبقاتی بین اقشار مختلف جامعه و در نهایت افزایش تحقق عدالت اجتماعی می‌باشد.

عرصه مهم دیگری که اثربخشی انجام امور خیر در جهت تمدن‌سازی نوین اسلامی را



متبادر می‌سازد و بر اساس نتایج تحقیق، در منویات مقام معظم رهبری نیز به آن توجه ویژه گردیده است، نهادسازی فرهنگی با استعانت از انجام امور خیرخواهانه همچون وقف می‌باشد. بر اساس نتایج تحقیق این امر در سه قالب توسعه معنوی، خردورزی و علم آموزی در سایه موقوفات آموزشی امکان پذیر می‌باشد.

توسعه معنوی جامعه به معنی رشد جامعه در بعد الهی، دینی و ارزش‌های معنوی می‌باشد. انجام امور خیر با به خدمت گرفتن ارزش‌ها و امکانات مادی به نفع ارزش‌های معنوی زمینه ایجاد و توسعه معنوی جامعه را فراهم می‌سازد. به عبارت دیگر جامعه زمانی از لحاظ معنوی بیشتر رشد می‌کند که ارزش‌های مادی و امکانات مادی‌اش در خدمت امکانات و ارزش‌های معنوی‌اش باشد و در عوض ارزش‌های معنوی زمانی در یک جامعه می‌میرد که ارزش‌های معنوی در خدمت امکانات و ارزش‌های مادی بوده و توانمندی‌های انسانی، الهی و معنوی جامعه قربانی اهداف مادی، غیر انسانی و غیر الهی گردد که در این‌جا اثربخشی انجام امور خیر قابل تأمل می‌باشد.

همچنین خردورزی، مجاهده علمی و شکستن مرزهای علم، چراغ راه تمدن اسلامی بر اساس اندیشه رهبر معظم انقلاب است. به اعتقاد ایشان، فردای بدون علم تاریک است و چراغ راه تحقق تمدن اسلامی، مجاهده علمی برخاسته از خردورزی است. علم از دیدگاه ایشان مولد قدرت بوده و جامعه صاحب علم، قدرتمند می‌گردد. لکن ایشان علم صرف را کم منفعت و فاقد ارزش دانسته، ارزش آن را منوط به معنویت می‌دانند. همچنین در تأکیدات ایشان نه تنها به فراگیری علم سفارش می‌گردد، بلکه تولید و صدور آن نیز حائز اهمیت می‌باشد و تولید و اعتلای تمدن نوین اسلامی را در این صورت امکان‌پذیر می‌دانند.

## کتاب‌نامه

• قرآن

• نهج البلاغه

• ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). *لسان العرب*، بیروت: دار صادر.

• احمدی، زهت (۱۳۹۱). «نهاد وقف در دوره صفوی»، *مطالعات تاریخ اسلام*، سال ۴.

• آدمی، ابرقویی (۱۳۸۷). *درآمدی بردانشگاه تمدن ساز اسلامی. بایسته‌های نظری*، مقدمه محمدباقر، -خرمشاد، تهران: دفتر برنامه ریزی و مطالعات فرهنگی.

• اسفندیاری، اسماعیل (۱۳۸۲). «فقر و انحرافات اجتماعی»، *مطالعات راهبردی زنان*، شماره ۲۱.

• افروغ، عماد (۱۳۷۹). *چشم‌اندازی نظری به تحلیل طبقاتی و توسعه*، تهران: فرهنگ دانش.

• الوسی، محمد شکری (۱۴۲۷). *تاریخ مساجد بغداد و آثارها*، بغداد: بی نا.

• اکبری، مرتضی، رضایی، فریدون. (۱۳۹۴). «واکاوی شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری»، *دو فصلنامه الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی*، دوره ۳، شماره ۵، بهار و تابستان.

• اکبری، مرتضی (۱۳۹۰). *درآمدی بر آموزش در اسلام و ایران*، ایلام: جوهر حیات.

• بابایی، حبیب‌اله (۱۳۹۰). *تمدن و تجدد*، قم: پژوهشگاه علوم فرهنگ اسلامی.

• بستانی، فؤاد افرام (۱۳۷۵). *فرهنگ ابجدی*، ترجمه مهیار رضا، تهران: اسلامی.

• جان احمدی، فاطمه (۱۳۸۸). *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، تهران: معارف.

• جعفری، علامه محمدتقی (۱۳۷۳). *فرهنگ پیرو، فرهنگ پیشرو*، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

• حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴). *وسایل الشیعه*، قم: آل البیت.

• راچ، جک‌رال؛ راچ، جان‌تک (۱۳۵۴). *جامعه‌شناسی فقر*، ترجمه احمد کریمی، تهران: امیرکبیر.

• زبیدی، مرتضی (۱۴۱۴). *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت: دار الفکر.

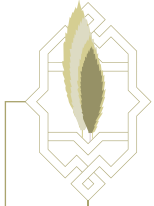
• زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۷). *کارنامه اسلام*، تهران، امیر کبیر.

• سبکی، عبدالوهاب بن علی (بی تا). *طبقات الشافعیه الکبری*، قاهره: دار احیا الکتب العربیه.

• سپهری، محمد (۱۳۸۵). *تمدن اسلامی در عصر امویان*، تهران: نورالثقلین.

• عمید، حسن (۱۳۸۹). *فرهنگ فارسی عمید*، تهران: اشجع.

• فراهیدی، احمد بن خلیل (۱۴۰۹). *کتاب العین*، قم: هجرت.



- فقیه اسفندیاری، مصطفی. (۱۳۹۰). «نقش مدارس موقوفه در توسعه فرهنگ و تمدن اسلامی (مدارس اصفهان و یزد در ایران و مدارس نظامیه و مستنصریه در عراق)»، *فصلنامه تاریخ* دوره ۶، ش ۲۳.
- فوزی، یحیی و صنم زاده، محمود رضا (۱۳۹۱). «تمدن اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره)»، *تاریخ و فرهنگ تمدن اسلامی*، سال سوم، ش ۹.
- فیض کاشانی، محمدحسن بن‌الشاه مرتضی (۱۳۶۱). *کتاب‌العلم* (ارزش دانش و دانشمند در اسلام)، ترجمه اسدالله ناصح، بی نا.
- قاسمی، فرامرز، عساریان نژاد، حسین (۱۳۹۴). «علم نافع و تدین اخلاقی دو بال تکوین تمدن نوین اسلامی»، *علوم اجتماعی، مطالعات بین رشته‌ای دانش راهبردی*، تابستان، ش ۱۹.
- کلینی رازی، ابوجعفر محمدبن یعقوب بن اسحاق (بی تا). *اصول کافی*، تعلیقات محمد آخوندی، تهران: حیدری..
- لوکاس، هنری (۱۳۸۴). *تاریخ تمدن*، ج ۱، ترجمه عبدالحسین اذرنگ، تهران: کیهان.
- مجلسی، علامه محمدباقر (بی تا). *بنادرالبحار (بحارالانوار)*، ج ۱، ترجمه علی نقی فیض الاسلام اصفهانی، تهران: فقیه.
- مدنی، سید علی خان (۱۳۸۴). *الطراز الأول و الكنز لما علیه من لغة العرب المعقول*. قم: موسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.
- معینی پور، مسعود و رضا لک زایی (۱۳۹۱). «ارکان امت واحده و تمدن اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری»، *مطالعات انقلاب اسلامی*، سال ۹، ش ۲۸.

سایت‌ها:

Khamenei.ir •